



راز صندوقچه جنگل

2nokhte :



در دل جنگل انبوه، پسر کوچکی به نام امیر قدم می‌زد. آفتاب از لابه‌لای درختان می‌تابید و صدای پرنده‌ها فضا را پر کرده بود. ناگهان چشمش به چیزی براق افتاد. بین ریشه‌های یک درخت کهنسال، یک صندوقچه چوبی قدیمی با نوشته‌ای درشت نشسته بود که فقط بزرگترین کسر می‌توانست آن را باز کند.



امیر برگه را برداشت که چهار کسر روی آن نوشته شده بود: سه
چهارم، دو سوم، پنج ششم و یک دوم. چند دقیقه به آن‌ها خیره شد و
یشانی‌اش را چین داد. همه کسرها شبیه هم به نظر می‌رسیدند و او دلش
می‌خواست حدس بزند، اما می‌دانست که حدس زدن راه درستی نیست.



اگهان صدای بال‌زدن آرامی آمد و جغد سپیدمویی روی شاخه کاج
 بست. جغد با چشمان درشت زردش به امیر نگاه کرد و گفت اولین قانون
 مقایسه کسرها حدس نزدن و هم‌مخرج کردن آن‌هاست. امیر با تعجب از
 جغد پرسید که هم‌مخرج کردن یعنی چه



جغد با بالش به پایین برگه اشاره کرد که نوشته بود فقط بزرگترین
سر توانسته صندوقچه را باز کند. امیر مشت‌هایش را گره کرد و تصمیم
گرفت به جای شانس، با دقت محاسبه کند. جغد با دیدن این اراده لبخندی
زد و طرز فکر امیر را تشویق کرد.



جغد از شاخه پایین پرید و روی صندوقچه نشست تا به امیر کمک
ند. او توضیح داد که باید مخرج مشترکی برای اعداد ۲، ۳، ۴ و ۶ پیدا
کنند. امیر دفتر و مدادش را از کوله‌پشتی درآورد و پس از بررسی اعداد
عدد ۲۴ را به عنوان مخرج مشترک انتخاب کردند.



میر با ذوق شروع به نوشتن کرد و کسرها را به مخرج ۲۴ تبدیل
 زد: ۱۸/۲۴، ۱۶/۲۴، ۲۰/۲۴ و ۱۲/۲۴. او مداد را زمین گذاشت و با
 خوشحالی فریاد زد که حالا مخرج همه کسرها یکی شده است. کار تبدیل
 کسرها فوق العاده ساده و هیجان انگیز بود.



جغد توضیح داد که وقتی مخرج‌ها برابر باشند، تنها کافی است
 صورت کسر‌ها با هم مقایسه شوند و کسر دارای صورت بزرگ‌تر، کسر
 بزرگ‌تر خواهد بود. امیر با دقت انگشتش را روی صورت‌ها کشید و
 اعداد ۱۲، ۱۶، ۱۸ و ۲۰ را بررسی کرد.



امیر با دقت صورت کسرها را مقایسه کرد و متوجه شد که ۲۰
 بزرگترین صورت در میان اعداد است. او با چشمانی براق فریاد زد که
 بزرگترین کسر، پنج ششم است. جغد با خوشحالی بالش را بالا برد و
 درست بودن پاسخ امیر را تایید کرد.



همین که امیر کسر درست را بلند گفت، قفل صندوقچه با صدای
کلیک باز شد و درب چوبی آن به آرامی بالا رفت. جغد روی لبه
صندوقچه نشست و یادآوری کرد که راز حل معما هممخرج کردن و
مقایسه صورتها بود. امیر با شگفتی به داخل صندوقچه خیره شد.



داخل صندوقچه پر از سکه‌های طلایی درخشان و جواهرات
 رنگارنگ بود. امیر یکی از سکه‌ها را برداشت و با سپاسگزار به جغد
 انا نگاه کرد. او در این ماجراجویی یاد گرفت که با قوانین ریاضی، حتی
 سخت‌ترین معماهای دنیا هم قابل حل هستند.